

از مطالعه این نشریه در زمان تفیلا و فواندن توراہ فودداری فرماید.

אורה לאהדה

בשלח

جهت حفظ قدوسیت این نشریه از دور انداختن آن فودداری فرماید.

13 شواہ 5782

5 - 6 - 7 - 8 - 9 - 10 - 11 - 12

شخصی که در کاری همدست و شریک است ، درست به مانند عمل کنندهٔ مزد می‌گیرد و یا مجازات می‌شود. به همین جهت چون اسپها به مصریان کمک کردند که قوم ییسرائل را تعقیب کنند ، به مانند مصریان مجازات شدند.

برعکس این مورد نیز وجود دارد و شخصی که به افرادی که میصوا انجام می‌دهند کمک می‌کند ، به مانند آن افرادی که میصوا انجام داده‌اند ، مزد می‌گیرد. به همین جهت نیز ، وقتی میریام هנוیثا با زنان شعر خواند ، درست بر همین جمله تأکید فرمود و این معجزه را بازگو کرد که:

”خد-اوند اسب را همراه با سوار او به دریا انداخت.“

تا به زنان بیاموزاند با این وجود که زنان از میصوای آموزش توراہ معاف هستند ، این باعث نمی‌شود که از مزد این میصوا بی‌بهره بمانند ، زیرا هم چنان که خد-اوند اسبان مصریان را مجازات نمود ، همانطور زنانی که به همسران خود کمک می‌کنند به آموزش توراہ مشغول شوند ، آنها نیز به مانند همسران خود مزد می‌گیرند.

این مورد می‌آموزاند که چقدر مهم است که زنان به همسران و فرزندان خود کمک کنند که به آموزش توراہ مشغول شوند. نه تنها زنان ، بلکه هر فردی که به دیگران کمک می‌کند که مشغول آموزش توراہ شوند ، به مانند آنها مزد خواهد گرفت. افرادی که به دلایلی یا موانعی نمی‌توانند مشغول به آموزش توراہ شوند ، بیشتر باید به این مورد توجه و به دیگران کمک کنند تا آنها مشغول آموزش توراہ گردند و به این صورت از مزد این میصوا بی‌بهره نمانند. ربی یوخانان به افرادی که نمی‌توانستند مشغول آموزش توراہ شوند ، توصیه می‌فرمود به شاگردان توراہ کمک نمایند و به این صورت این میصوا را انجام دهند.

این اصل هم در مورد میصوای آموزش توراہ و هم در مورد دیگر میصواها صادق است و شخصی که نمی‌تواند میصوایی را انجام دهد

در این پاراشا می‌خوانیم تمام قوم ییسرائل از مصر بیرون می‌آیند و به بیابان می‌رسند. در اینجا خد-اوند قلب فرعون و زیردستان او را سخت می‌کند که دوباره به دنبال قوم ییسرائل بروند و آنها را در بیابان محاصره نمایند. در این موقعیت ، قوم ییسرائل در خطر بسیار جدی و بزرگی قرار داشتند ، از پشت سر مصریان و از جلو دریا بود. خد-اوند دستور داد قوم ییسرائل وارد دریا شوند و وقتی آنها به دریا زدند و آب به گلوی آنها رسید ، دریا پاره شد و برای هر سبطی یک راه و مسیر مخصوص به خود باز گشت و از فرط شادی سرود خواندند و در آن ، تمام معجزاتی که خد-اوند انجام داد را ذکر نمودند.

قوم ییسرائل در سرود خود گفتند خد-اوند شخص مصری را با اسب خود به دریا انداخت. وقتی میریام هנוیثا نیز همراه با زنان سرود خواند ، همین جملهٔ عظمت خد-اوند را ذکر کرد که اسب را با مصری سوار بر آن به دریا انداخت. باید فهمید در انداختن اسب با شخص سوار بر آن چه مورد مخصوصی وجود دارد که هم قوم ییسرائل و هم میریام هנוیثا بر این مورد تأکید نمودند.

در پاسخ باید گفت توراہ یک اصل مهم را می‌آموزاند: این که چرا فرعون و مصریان مجازات شدند و در دریا غرق شدند ، بسیار ساده است. مصریان ، قوم ییسرائل را تعقیب کردند و فکر آنها این بود که با به دریا انداختن نوزادان پسر ، می‌توانند قوم ییسرائل را نابود نمایند. پس خد-اوند نیز به همان صورت مصریان را مجازات کرد و تمام آنها را در دریا غرق نمود. ولی چرا اسپها مجازات شدند و در دریا غرق گشتند؟ چرا برای اسپها نیز حکم شد چنین مرگ عجیب و سختی داشته باشند؟

خد-اوند افرادی که در آزار قوم ییسرائل شریک بودند را نیز مجازات می‌کند ، درست به همان صورت که افراد آزاردهنده مجازات شدند. در واقع این دو جمله در این سرود ، این اصل و اساس را می‌آموزاند:

1 اگر در کیفیت و کمیت مطالب این نشریه (آی ، پیشنهاده و یا سوالی در امور هلافا و زندگی روزمره دارید از اتمام لطف

لازم به ذکر است کمک به شاگردان توراه ، شخص را از میصوای آموزش توراه معاف نمی‌کند و خود وی نیز در حد توان خود باید مشغول به آموزش توراه گردد.

، با کمک به دیگران که آن میصوا را انجام می‌دهند ، به مانند آنها مزد خواهد گرفت.

خد-اوند مسلط بر تمام قدرتها

با وجود این همه معجزات که از چهارچوب طبیعت خارج بود ، عده بسیاری از قوم ییسرائل به این اصل ایمان نیاوردند و نمی‌خواستند از مصر بیرون آیند. به همین جهت در سه روز تاریکی جان خویش را از دست دادند. از این مورد می‌آموزیم تنها مشاهده معجزه کافی نیست ، بلکه باید با دیدن معجزه ، ایمان به خد-اوند را در عمق قلب وارد و با عقل درک نمود که این خد-اوند است که می‌تواند چنین معجزاتی انجام دهد. شخصی که به خد-اوند ایمان دارد ، شاد و خوشحال است و نگران نیست.

ما هر روز سه بار متن "عالینو لشیخ" را می‌خوانیم و در این متن عبارت آمده از توراه را ذکر می‌کنیم که می‌فرماید: "و بدان امروز و در قلب خود وارد کن که خد-اوند مسلط بر تمام قدرتها است و به غیر از او نیست." به این مفهوم که فقط دیدن و دانستن کافی نیست ، بلکه باید خوب تأمل نمود تا این موارد به خوبی در قلب فرد مستقر گردند.

تمام قوم ییسرائل در موعد پسخ و مخصوصاً در شب اول موعد ، هگادا را می‌خوانند و تفسیر آن را می‌آموزند که هر ضربه که بر مصریان فرود آمد چگونه بود و چگونه قوم ییسرائل از دست مصریان نجات پیدا کردند. ارزش واقعی این آموزش وقتی خواهد بود که فرد در این موارد تأمل نموده و آنها را در قلب خود وارد نماید و به ایمان و نظارت خداوند بر دنیا پی ببرد.

نیز واجب است هر یک ، روزی یک بار و حداقل هفته‌ای یک بار به آنچه که بر او گذشته ، فکر کند و درک نماید در کجا نظارت شخصی خد-اوند را دیده و به این صورت بفهمد تمام وقایع زندگی چه وقایع خوب و چه وقایع ناگوار ، طبق نظارت خد-اوند هستند.

شخص نباید موفقیت‌های خویش را به علت قدرت خود بداند ، بلکه این خد-اوند است که به وی برکت داده و او موفق می‌شود. اگر خد-ای ناکرده اتفاق بدی برای او می‌افتد ، نباید دیگران را مقصر آن بداند ، بلکه باید درک کند که این مورد نیز از جانب خد-اوند است و با صبر و محبت به خد-اوند این مورد را قبول نماید.

فقط افرادی که به این درجه از ایمان رسیدند ، مزکی شدند که از مصر خارج گردند. پس از خروج از مصر ، خد-اوند ، ایمان قوم

در پاراشای قبل ، در مورد سه ضربه آخر خواندیم که خد-اوند بر فرعون و مصر آورد تا آنها تسلیم شوند و قوم ییسرائل را آزاد نمایند. فقط در ضربه آخر که فرعون مرگ را جلوی چشمان خود دید ، تسلیم شد و به دنبال مشه ربنو و اهرون هکهن رفت و فریاد زد: "بلند شوید و از بین قوم من خارج شوید ، هم شما و هم بنی ییسرائل ، بروید و طبق سخن خود خد-اوند را عبادت کنید."

راشی در تفسیر این مورد می‌نویسد:

فرعون سخن خود را باطل نمود و گفت:

همانطور که شما گفتید و نه آن چنان که من گفتم ، حرف من که گفتم شما را رها نمی‌کنم و حرف من که گفتم چه افرادی قرار است بروند ، حرف من که گفتم گوسفندان و گاوهای شما بمانند ، تمام این حرفها باطل هستند.

این سؤال پرسیده می‌شود: اگر فقط آخرین ضربه ، یعنی ضربه کشته شدن اولزادها باعث شد که فرعون تسلیم شود ، چرا از همان اول خد-اوند این ضربه را بر فرعون فرود نیاورد؟ به این صورت خد-اوند مسیر را کوتاه می‌کرد و قوم ییسرائل زودتر از مصر بیرون می‌آمدند.

در پاسخ باید گفت که هر کدام از این ده ضربه برای استحکام ایمان قوم ییسرائل بود و این که قوم ییسرائل ببینند قدرت خد-اوند بر همه چیز تسلط دارد و به این صورت بفهمند خد-اوند تنها قدرت مسلط بر دنیا است. دویست و ده سال قوم ییسرائل زیر یوغ بردگی مصر بودند و در این مدت ، مصریان قدرت و تسلط خویش را به رخ بنی ییسرائل می‌کشیدند و قدرت خد-اوند را انکار می‌کردند. به همین سبب لازم بود به مدت یک سال قوم ییسرائل از بردگی مصر آزاد باشند و به معجزات شگفت‌انگیز خد-اوند نگاه و تأمل نمایند چگونه خد-اوند بین قوم ییسرائل و مصریان فرق می‌اندازد و حتی بین دارایی قوم ییسرائل و دارایی مصریان تفاوت قائل می‌شود. در طول این یک سال ، قوم ییسرائل نظارت خد-اوند را بر تمام جزئیات این دنیا دیدند تا متوجه شوند چگونه خد-اوند ، مصریان را به سخره گرفته و به این صورت ، ایمان و اطمینان به خد-اوند در قلب قوم ییسرائل وارد شود و بفهمند و درک کنند دنیا فقط تحت تسلط خد-اوند قرار دارد و این خد-اوند است که برای دنیا تصمیم می‌گیرد.

، خد-اوند دریا را برای آنها گشود و قوم ییسرائل به درجه‌ای از نبوت رسیدند که خد-اوند را دیدند و برای او شعر سرودند.

ییسرائل را سنجید و به آنها دستور داد وارد دریا شوند. وقتی قوم ییسرائل تا گلو وارد دریا شدند و ایمان خود را به خد-اوند نشان دادند

اصلاح رفتار

هاراو زایید موافقت کرد و آن شخص وارد شد. همین که آن شخص روبروی هاراو زایید نشست ، هاراو زایید متوجه شد این شخص ، همان راننده بود که جان او را در جاده به خطر انداخت. هاراو زایید چند دقیقه مکث کرد و وقتی مطمئن شد که آن شخص نمی‌داند در جاده با هاراو زایید شاخ به شاخ شده ، از او پرسید:

”گوش می‌دهم ، چه مشکلاتی در زندگی داری؟“

آن شخص در پاسخ گفت:

”جناب راو ، زندگی من پر از مشکل است ، چه در خانه با همسر ، چه در سر کار ، مرتب من را از کار اخراج می‌کنند و اصلاً زندگی راحتی ندارم.“

هاراو زایید به او فرمود:

”می‌فهمم ، اسم خود و اسم مادرت را بگو.“

آن شخص اسم خود و اسم مادر خویش را گفت و هاراو زایید چند ثانیه در فکر فرو رفت و فرمود: ”من می‌دانم ریشه تمام مشکلات تو چیست ، تو بسیار متکبر هستی و اگر فردی کاری کند که به نظر تو خوش نیاید ، تا زندگی آن آدم را سیاه نکنی دست بردار نیستی.“

آن شخص که دهانش از تعجب باز مانده بود ، گفت: ”بله جناب راو ، درست است ، شما این را از کجا می‌دانید؟!“

هاراو زایید با جدیت فرمود:

”من می‌دانم ، علاوه بر این ، من می‌بینم در مسیر رسیدن به اینجا ، یک ماشین از تو جلو زد و تو با رانندگی وحشیانه او را به خطر انداختی و نزدیک بود باعث شوی آن ماشین تصادف کند و یا به دره بی‌افتد و آخر هم تا به او فحش و نفرین نگفتی ، او را رها نکردی.“

آن شخص که از تعجب قدرت سخن گفتن نداشت ، من من کنان گفت: ”بله جناب راو ، من همیشه به همسر و دوستانم می‌گفتم شما به مانند ناوی هستید و از همه چیز خبر دارید. حالا من باید چه کار بکنم؟“

هاراو زایید در پاسخ فرمود: ”تو باید از تکبر و خودخواهی دست برداری. هیچکس به تو بدهکار نیست و هیچکس مجبور نیست فقط خواسته‌های تو را انجام دهد. تو باید روی این رفتار کار کنی و با آموزش کتب پند و اندرز که در این مورد صحبت می‌کنند ، رفتار خود را تغییر دهی و اصلاح نمایی. به این صورت ، هم خود تو ، هم خانواده تو و هم اطرافیان تو زندگی خوب و خوشی خواهند داشت.“

یک بار از هاراو خیم زایید دعوت شد به پیسگت زئو آمده و دراشا بگوید. به سبب طولانی بودن مسیر و ترافیک ، هاراو زایید دو ساعت قبل از شروع دراشا از خانه خود به راه افتاد. در سربالایی‌های قبل از رسیدن به پروشالییم ، هاراو زایید به تقاطعی رسید که معلوم نبود حق تقدم با کدام طرف است و اتومبیل‌ها از هم دیگر جلو می‌زدند و وارد جاده می‌شدند.

هاراو خیم زایید نیز منتظر فرصتی مناسب شد و وقتی تقاطع خالی به نظر می‌رسید ، وارد شد و به مسیر خویش در جاده ادامه داد. هنوز چند متری نرفته بود که متوجه شد راننده پشت سر بسیار عصبانی است که چرا هاراو قبل از او وارد جاده شده و این راننده مرتب چراغ بالا و بوق می‌زد. چند دقیقه‌ای به همین صورت ادامه داشت تا اینکه هاراو زایید متوجه شد این راننده درست پشت ماشین او چسبیده و مزاحم رانندگی او می‌شود.

هاراو زایید تصمیم گرفت در گوشه خیابان نگه دارد تا این راننده از او جلو بزند و بتواند بدون خطر رانندگی نماید. پس هاراو زایید در اولین فرصت به گوشه خیابان رفت و آن راننده به راه خود ادامه داد.

هاراو زایید که فکر می‌کرد خطر رفع شده ، دوباره وارد جاده شد و به مسیر خود ادامه داد. ولی هنوز نفس راحتی نکشیده بود که متوجه شد آن راننده در جاده منتظر مانده و همین که متوجه ماشین هاراو زایید شد ، جلوی هاراو زایید شروع به رانندگی کرد و با ترمزهای ناگهانی و رانندگی وحشیانه ، هاراو زایید را به خطر انداخت.

چند بار نزدیک بود هاراو زایید تصادف کند یا به دره بی‌افتد تا اینکه قبل از ورودی به پیسگت زئو ، آن راننده چند فحش و نفرین گفت ، دست خود را به عنوان علامتهای ناشایست تکان داد و با سرعت دور شد.

هاراو زایید نفس راحت کشید و به راه خود ادامه داد و بالاخره به سلامت به کنیسانی که قرار بود دراشا بگوید رسید. وقتی هاراو زایید به کنیسا رسید ، گبای کنیسا از او پذیرایی نمود ، برای او یک لیوان چای ریخت و گفت: ”قرار است دراشا یک ربع دیگر شروع شود. اگر امکان دارد ، چند دقیقه خواستم مزاحم وقت شما شوم. یک شخص یهودی است که در زندگی خود مشکلات بسیاری دارد و می‌خواهد با شما مشورت نماید. اگر امکان دارد ، تا قبل از شروع دراشا با او صحبت کنید ، شاید بتوانید راه حلی برای مشکلات او داشته باشید.“

۱ اگر در کیفیت و کمیت مطالب این نشریه (آی ، پیشنهاد و یا سوالی در امور هلافا و زندگی روزمره دارید از اتمام لطف

قبل نیست و روز به روز رفتار او بهتر می‌شود و زندگی ما به خوبی تغییر کرده است.”

آن شخص به هاراو زاید قول داد از همین الان رفتار خود را اصلاح نماید.

چندی بعد ، همسر آن شخص به هاراو زاید زنگ زد و گفت: ”جناب راو ، به زخوت شما ، همسر من تغییر کرد ، او دیگر آدم

شب‌ات منبع تمام براهاها

هخافص خبیم در ادامه می‌نویسد: ”علت این است که شب‌ات منبع تمام براهاها است ، هم چنان که در توراه می‌خوانیم: خد-اوند روز هفتم را برکت فرمود و وقتی ما به شب‌ات مقدس ضربه می‌زنیم ، این براخا دور می‌شود. همچنین خد-اوند در این پاراشا شکایت می‌کند و می‌فرماید:

”ببیند (خد-اوند) شب‌ات را به شما داده و به همین سبب در روز جمعه به شما دو وعده غذا می‌دهد.”

به این مفهوم که باید با چشم دید که به زخوت شب‌ات ، براخا و فراوانی آمده است.

هخافص خبیم در انتها می‌نویسد: ”به همین جهت ای دوستان و برادران ، هر کس باید مواظب باشد شب‌ات را بر طبق هلاخا نگه دارد و به زخوت شب‌ات ، از جانب خد-اوند آسمان و زمین به همه خوبیها برکت خواهد شد و خد-اوند موفقیت‌های بسیاری را در اعمال او پدید خواهد آورد.”

در این پاراشا می‌خوانیم خد-اوند برای قوم یسرائل مان می‌باراند و در روز جمعه دو وعده مان می‌بارد و خد-اوند دستور می‌دهد در روز شب‌ات ، قوم یسرائل برای جمع‌آوری مان بیرون نیایند. ولی افرادی از قوم به این فرمان گوش نمی‌دهند و برای جمع‌آوری مان بیرون می‌آیند.

در اینجا خد-اوند به مشه ربنو می‌فرماید: ”تا کی از انجام فرمان من و توراه من خودداری می‌کنید؟ ببیند (خد-اوند) شب‌ات را به شما داده و به همین جهت در روز جمعه به شما دو وعده غذا می‌دهد. هر کدام در جای خود بنشینند و در روز هفتم هیچ کس از جای خود بیرون نیاید.”

هخافص خبیم در این باره می‌نویسد: ”من بسیار ناراحت هستم که می‌بینم در این روزها افرادی که احترام شب‌ات مقدس را خوار می‌کنند ، زیاد شده‌اند و هرچقدر بیشتر احترام شب‌ات خوار شود ، زجر و عذاب در دنیا زیاد می‌شود و کمبود و نقص به وجود خواهد آمد ، چه برای تاجران و چه برای کارگران ، به همین دلیل وضعیت هر روز بدتر می‌شود.”

قابل توجه خوانندگان گرامی

نشریه هفتگی **اور 7166** در زمان اخیر با کمبود مالی جدی روبرو شده است که در صورت عدم دریافت کمک مالی از چاپ و پخش نشریه برای چندمین بار معذور خواهد گشت. این مورد سبب گشته این نشریه تنها به تعداد نسخ محدودی چاپ و نشر اکتفا نموده و در اختیار افراد معدودی قرار دهد و بدین ترتیب سایرین از دریافت آن محروم بمانند که در صورت عدم توجه ، موفق به تهیه این تعداد محدود نیز نخواهد گشت.

واقعاً اکنون: لمظهای تفکر... ۱۱۱

اما پس از تفکر ، باید عمل نمود آیا عدالت است که تنها به علت کمبود مالی از داشتن نشریه‌های فارسی زبان که در نوع خود بی‌نظیر می‌باشند محروم باشیم پس خواهشمند است جهت کمک به این نشریه اقدام فرمایید .

با کمک به این نشریه علاوه بر درج اسامی و اختصاص انتشار ، به منظور سلامتی و موفقیت افراد و یا شادی روح و روان رفتگان خویش ، مزکی خواهید گشت که توسط تلمید خاخام جهت سلامتی ، موفقیت و سرفرازی شما در نزد مقبره ”خاخام اوریل داویدی” به دعا و تفیلا پرداخته شود.

جهت کمک به این نشریه لطفاً با شماره تلفن یا واتس‌آپ **۰۵۴-۶۴۹-۳-۶۴۹** تماس حاصل فرمایید.